

کارآمدی حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام

محسن رضوانی*

چکیده

ارائه و تبیین دیدگاههای سیاسی اندیشمندان و فیلسوفان سیاسی معاصر، می‌تواند راهکارهای اساسی را در باب کارآمدی حکومت اسلامی پیش روی پژوهشگران قرار دهد. در این میان، طرح دیدگاه امام خمینی علیه السلام در باب کارآمدی حکومت و تبیین اصول و مؤلفه‌های آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بدین منظور سوال محوری این نوشتار این است که آیا اساساً می‌توان حکومت اسلامی را حکومتی کارآمد دانست؟ به عبارت دیگر آیا در حکومت اسلامی، قابلیت‌ها و ظرفیتهای لازم برای کارآمدی حکومت وجود دارد؟ نویسنده در راستای پاسخ به این سؤال مهم، تلاش کرده امور مهمی از جمله: تمدن‌سازی، حقوق بشر، آزادی و مردسالاری، حقوق متقابل دولت و ملت را در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام به‌عنوان مؤلفه‌های مختلف کارآمدی در حکومت اسلامی مطلوب بر شمرده و اصول و شاخصه‌هایی را مبتنی بر اندیشه سیاسی امام و سنت رفتاری و گفتاری ایشان درباره حکومت اسلامی به صورت مستند ارائه کند. همچنین مقاله حاضر در تلاش است با پرهیز از تقسیم‌بندیهای رایج و نظریه‌ها، کارآمدی حکومت اسلامی را بر اساس مؤلفه‌های مأخوذ از کلمات امام و به صورت استقرایی ارائه کند.

مقدمه

«کارآمدی حکومت» از مباحث بسیار مهم در اندیشه سیاسی است که به نوعی می‌تواند تعیین‌کننده میزان «مشروعیت حکومت» باشد. در این برداشت هر چند حکومتها از حیث منشأ و خاستگاه، مشروعیت لازم را در اعمال قدرت و حاکمیت دارا باشند؛ اما اگر نتوانند در عرصه عمل کارایی و خلاقیت لازم را ارائه دهند، دچار «بحران کارآمدی» و به دنبال آن، شاهد نارضایتی عمومی مردم و در نتیجه دچار «بحران مشروعیت» خواهند شد.

متأسفانه هنوز در کشور ما مطالعات علمی قابل ملاحظه‌ای در رابطه با مفهوم کارآمدی صورت نگرفته است. اولین و تقریباً تنها کتابی که در این زمینه نوشته شده است، در عین برخوردار از غنای علمی، فقط به جنبه‌های نظری مسئله می‌پردازد و تئوریهای مهم کارآمدی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد؛^۱ تئوریهایی که نوعاً خاصیت خرد دارند و در حوزه کلانی چون دولت و حکومت نمی‌توانند پاسخگو باشند. وضعیت مقالات آن نیز بهتر از کتاب نیست. بر این اساس، طرح دیدگاههای اندیشمندان و فیلسوفان سیاسی اسلامی می‌تواند راهکارهای اساسی را در باب کارآمدی حکومت اسلامی، پیش روی محققان قرار دهد. اندیشمندان و فیلسوفانی چون فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی و دیگران هر یک تلاش کرده‌اند دیدگاه خود درباره حکومت مطلوب و کارآمد را در مباحث نظری خویش ارائه دهند.^۲ در این میان اهمیت امام خمینی از آن جهت است که علاوه بر نظریه‌پردازی در این زمینه، به مدت ده سال رهبری جمهوری اسلامی ایران را به عهده داشت. بر این اساس، طرح دیدگاه ایشان در باب کارآمدی حکومت و تبیین اصول و مولفه‌های مهم آن، که از اهداف اصلی این مقاله است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

واژه «حکومت» در این مقاله، همان‌گونه که مصطلح است، مفهومی گسترده دارد و همه قوای حکومت، دولت، نهادها، سازمانها و دستگاهها را شامل می‌شود. همچنین گرچه کارآمدی مفهومی است که بیشتر در حوزه علم اقتصاد و مدیریت به کار می‌رود؛ اما منظور این

۱. محمدجواد لاریجانی، مباحثی در مشروعیت و کارآمدی، سروش ۱۳۷۳.

۲. محسن رضوانی، دولت کارآمد در اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی، مجله معرفت، ش ۵۵، تیر ۱۳۸۱.

مقاله، هرگز مفهوم اقتصادی یا مدیریتی آن نیست؛ چرا که هدف از بیان کارآمدی در آن حوزه‌ها، بیشتر ارائه شاخصه‌ها و مولفه‌های خُرد سازمانی یا نهادی می‌باشد؛ اما کارآمدی در بحث حاضر بیشتر مفهومی کلان دارد و می‌توان از آن به «موفقیت» تعبیر کرد؛ مفهومی که بیشتر به همان معنای لغوی برمی‌گردد.

در نگارش این مقاله از مجموعه جدید و کامل «صحیفه امام» بهره برده‌ام و با استفاده از نرم‌افزار (CD) صحیفه امام، کلیه واژه‌های مرتبط با موضوع مقاله را مورد جست‌وجو قرار داده‌ام؛ واژه‌هایی چون دولت، حکومت، حاکم، مسئولین، مردم و دهها واژه دیگر که هر یک با زیر مجموعه‌های خود حجم وسیعی از اطلاعات را ارائه می‌دادند. با این حال، ضعفها و کمبودهای مقاله، ناشی از بضاعت اندک نویسنده است.

نگاهی به نظریه‌های کارآمدی^۱

نظریه‌های متعددی در باب کارآمدی حکومت مطرح شده است که به چهار نظریه مهم، به صورت خلاصه، اشاره می‌شود؛ نظریه‌هایی که نوعاً در حوزه دانش اقتصاد و مدیریت طرح شده‌اند و گویای تبیین میزان کارایی و موفقیت در آن عرصه‌ها هستند؛ در عین حال متفکران سیاسی در تلاش‌اند با استفاده از همین نظریه‌ها که نوعاً جنبه خُرد دارند، آنها را به حوزه کلان حکومت تعمیم دهند و کارآمدی حکومت را نیز مورد مطالعه و ارزیابی قرار دهند.

نظریه توفیق

براساس این نظریه، هر نهاد یا سازمانی برای بررسی کارآمدی خود باید «توفیقات نهایی» آن را ارزیابی کند. منظور از توفیقات نهایی، رسیدن به «اهداف» است. در این نظریه، اساساً ابزارها و روشهای رسیدن به اهداف، در کارآمدی نهاد یا سازمان تأثیری ندارند؛ مهم همان نیل به اهداف است. از آن‌جا که این نظریه به اهداف چشم دوخته است؛ اهداف باید کاملاً شفاف و از پیش تعیین شده باشند. همچنین باید قابل تعین و مرزبندی شدن باشند تا بتوان

مسیر اهداف را به خوبی اندازه‌گیری کرد. منظور از اهداف در نظریه توفیق، اهداف جزئی نیست؛ بلکه اساساً اهداف اصلی و مهم و به عبارت دقیق‌تر، «اهداف ذاتی» مورد نظرند. برای مثال، در فلسفه سیاسی هابز، هدف ذاتی دولت (لویاتان) رسیدن به امنیت و استقرار آن در جامعه است. مهم نیست که حکومت یا دولت از چه راهی به این هدف می‌رسد؛ مهم دستیابی به «امنیت» و استقرار آن در جامعه است.

اشکال وارد بر این نظریه این است که «هدف ذاتی» همواره و در همه موارد روشن نیست. علاوه آن که معیار دقیقی برای ارزیابی سیر به سوی هدف ذاتی وجود ندارد. بنابراین، نمی‌توان هدف ذاتی را تنها عامل کارآمدی حکومت یا سازمان دانست.

نظریه نظام‌وار

طبق این نظریه، نظام یا سازمان هنگامی کارآمد است که ارتباط خروجی و ورودی آن کاملاً معین و قابل تبیین باشد؛ بدین معنا که تغییر و تحولات آن باید چنان روشن و مشخص باشد که در هر شرایط، وقتی ورودی تحقق یافت، خروجی کاملاً مشخص باشد. در نظریه «نظام‌وار»، برخلاف نظریه «توفیق»، کارآمدی مبتنی بر قدرت تهیه ورودی، چگونگی سازماندهی خروجی و حفظ استقرار در تعادل نظام است. در این نظریه، بقای درازمدت سازمان به‌نوعی مبنای کارآمدی است و این مسئله با تنظیم موارد مزبور امکان‌پذیر است. اگر سازمانی بتواند امکانات و منابعی را که در دست دارد، به گونه‌ای مشخص و معین سازماندهی دهد و ارتباط میان اجزای آن را تنظیم کند، قطعاً می‌تواند کارآمدی خود را نشان دهد؛ اما اگر نتواند ارتباط معقولی بین اجزای خویش برقرار سازد، قادر نخواهد بود ثبات و سکون را دوام دهد و در نهایت، کارآمدی خود را از دست خواهد داد.

اشکال مهم نظریه نظام‌وار این است که جوامع انسانی را مانند پدیده‌های ماشینی در نظر گرفته است. همان‌گونه که در پدیده‌های مکانیکی، کارایی و کارآمدی دستگاه به آن است که اجزای آن به هم پیوسته و تنظیم شده باشند، در پدیده‌های انسانی نیز اگر اجزای یک سازمان به هم پیوسته و تنظیم یافته باشند، می‌توانند کارآمد باشند؛ در حالی که یکی از تفاوت‌های مهم

و اساسی میان پدیده‌های ماشینی و انسانی، وجود اراده و قدرت تصمیم‌گیری در پدیده‌های انسانی است. به همین دلیل است که در علوم انسانی نمی‌توان به میزان علوم طبیعی و فیزیکی، به فرضیات، نظریه‌ها و قوانین ثابت دست پیدا کرد. بنابراین، با توجه به وجود اراده و اختیار در پدیده‌های انسانی، اساساً نمی‌توان تنظیم میان اجزای آن پدیده را به طور ثابت سنجید و ارزیابی کرد. از این رو، نظریه نظام‌وار علاوه بر عوامل و اصول ذکر شده، باید به مسئله اهداف و اغراض انسانها نیز توجه لازم را داشته باشد.

نظریه رضایت

براساس این نظریه، یک حکومت را در صورتی می‌توان کارآمد دانست که عناصر مؤثر در بقای خود را به خوبی راضی کند. همان‌گونه که مردم عنصر اصلی در حیات حکومتها هستند، بنابراین، ملاک و معیار کارآمدی در میزان رضایتی است که مردم از آن حکومت نشان می‌دهند و به عبارت دیگر، کارآمدترین حکومتها آن است که بتواند بهترین و بیشترین رضایت مردمی را دارا باشد.

اشکالی وارد به این نظریه آن است که هر چند رضایت مردم می‌تواند معیاری مناسب برای کارآمدی حکومت باشد؛ اما تشخیص رضایت مردم در عمل کار آسانی نیست؛ البته یکی از راههای عملی برای تشخیص رضایت یا عدم رضایت مردم، انتخابات و چگونگی گزینش آنان است؛ اما این به تنهایی نمی‌تواند کارآمدی سازمان یا نهادی را نشان دهد؛ بلکه در پیاده کردن آن به دیگر نظریه‌ها هم نیاز است. علاوه آنکه، مردم اساساً به بسیاری از جزئیات حکومت آشنایی ندارند و چندان هم به آنها علاقه نشان نمی‌دهند. آنچه برای آنان مهم است نتایجی است که یک حکومت به دست می‌دهد. بنابراین، کارآمدی در عمل حول «نتایج» دور می‌زند که از این نظر، می‌توان گفت با نظریه «توفیق» مشترک است.

نظریه نسبیت

این نظریه به نوعی، رد نظریه‌های پیشین است و به عبارت بهتر، رد هر نوع نظریه در باب

کارآمدی است. این نظریه معتقد است مبنای واحد و اصیلی برای مفهوم و میزان کارآمدی وجود ندارد. بسیاری از ارزیابیها در میزان کارآمدی، بیان دیدگاه «ارزیاب» است. از این رو، کارآمدی یک مسئله «ارزشی» است که محاسبه آن چندان آسان نیست. عده‌ای دیگر معتقدند که هر چند کارآمدی یک مفهوم ارزشی است؛ زمینه‌های ارزشی دخیل در آن محدودند. بنابراین، می‌توان معیارهایی برای ارزیابی کارآمدی سازمانها تهیه و براساس آن کارآمدی آن را اندازه کرد.

اشکال نظریه نسبت این است که اساساً این نظریه جنبه سلبی دارد و در پی ارائه شاخصه‌هایی برای کارآمدی نیست؛ بلکه با دید انتقادی نسبت به نظریه‌های گذشته، در صدد طرح اشکال بر آنها می‌آید و برای پیاده کردن این نظریه باید از نظریه‌های گذشته و دیگر نظریه‌های موجود در این باب بهره جست.

مهم این است که این نظریه‌ها تا چه میزان می‌توانند بیانگر کارآمدی حکومت، به‌ویژه حکومت اسلامی در بحث حاضر باشند؟ هیچ یک از نظریه‌های مذکور به تنهایی نمی‌توانند کارآمدی حکومت را مورد ارزیابی قرار دهند؛ بلکه برای ارزیابی درست کارآمدی حکومت به همکاری این نظریه‌ها با یکدیگر نیاز هست. اساساً تعیین یک عامل برای کارآمدی حکومت کاری دشوار، حتی غیرممکن است؛ چراکه پدیده‌های اجتماعی و انسانی به دلیل پیچیدگیهای خاص، همواره با کنار هم گذاشتن چند عامل کشف می‌شوند و مورد ارزیابی و تحلیل احتمالی قرار می‌گیرند. بر این اساس، هدف این مقاله ارائه مؤلفه‌های کلان کارآمدی حکومت اسلامی در اندیشه امام خمینی است که وجود و تحقق هر یک از آنها در جامعه به همان میزان می‌تواند کارآمدی حکومت را به‌دنبال داشته باشد. قبل از پرداختن به مؤلفه‌های مذکور ضرورت دارد به دو پرسش مهم پاسخ داده شود؛ پرسش از امکان کارآمدی حکومت اسلامی؛ و سؤال از ماهیت حکومت اسلامی.

امکان کارآمدی حکومت اسلامی

سوالی که در اینجا مطرح است این است که آیا اساساً می‌توان حکومت اسلامی را حکومتی

کارآمد دانست؟ به عبارت دیگر، آیا در حکومت اسلامی قابلیت‌ها و ظرفیت‌های لازم برای کارآمدی حکومت وجود دارد؟

این سوال از آنجا ناشی می‌شود که شاید در یک برداشت مقایسه‌ای گفته شود که کارآمدی امری بیرونی و مربوط به حوزه عمل و رفتار پدیده‌هاست؛ در حالی که دین امری درونی و مربوط به حوزه باور و ایمان است. بنابراین گزاره‌های دینی همواره به دنبال ارائه مؤلفه‌هایی برای تحقق هر چه بیشتر اهداف معنوی و اخلاقی‌اند و جست‌وجو برای دریافت اصول و شاخصه‌هایی برای کارآمدی حکومت امری ناممکن است.

براساس اندیشه سیاسی امام خمینی چون دین اسلام هم به ابعاد معنوی و اخلاقی و هم به ابعاد مادی و دنیوی انسان توجه دارد، حکومت اسلامی نیز به تبعیت از آن همواره به دنبال رفاه و سعادت انسانها در دنیا و آخرت است؛ رفاه و سعادت که در دین اسلام برای همه بشر تضمین شده است؛ البته شرط برقراری رفاه و سعادت آن است که اسلام به تمام معنا و آن‌گونه که بر پیامبر اکرم نازل شده است، به اجرا درآید و همه ابعاد آن مورد توجه مسئولان نظام و مردم قرار گیرد.

انشاءالله اگر حکومت اسلامی جریان پیدا بکند، برای همه رفاه هست، برای همه سعادت است، برای همه رفاه و سعادت دنیا و آخرت است.^۱ و حکومت اسلامی اگر همه انشاءالله پیاده بشود، به آنطوری که بر پیغمبر اسلام نازل شده است، سعادت دنیا و آخرت ملتها را ضمانت کرده است.^۲

اگر حکومت اسلامی را حکومت کارآمد می‌دانیم، به‌خاطر گردآمدن مؤلفه‌های همه‌جانبه و کم‌نظیری است که در حکومت اسلامی وجود دارد. عمده این مؤلفه‌ها به‌گونه‌ای‌اند که قادرند به تنهایی میزان بالایی از کارآمدی حکومت اسلامی را تضمین کنند. بنابر اندیشه سیاسی

۱. سیدروح‌الله خمینی (امام)، صحیفه امام، ج ۷، ص ۶۱.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۳۶۶.

امام خمینی مؤلفه‌های زیر از جمله امور مهمی است که حکومت اسلامی مطلوب همواره به آنها توجه لازم را داشته است.

۱. تمدن‌سازی: حکومت اسلامی همگام و همسو با تمدن و پیشرفت است و نه تنها با آن مخالفتی ندارد؛ بلکه همواره در صدد ارائه الگوهای نوین برای پیشرفت و ترقی با توجه به شرائط زمان و مکان است.

حکومت اسلامی مساوی با پیشگرایی و تمدن و ترقی است، نه مخالف با آن است.^۱

۲. حقوق بشر: رعایت حقوق بشر یکی از مسائلی است که حکومت اسلامی همواره در جهت ترویج و برپایی آن گام برمی‌دارد. دغدغه همیشگی پیامبر اسلام قبل و بعد از بعثت، توجه لازم به حقوق حقه بشر و تلاش در جهت برقراری آن بود. بر این اساس، بنابر اندیشه سیاسی امام، رعایت حقوق بشر از جمله دغدغه‌های حکومت اسلامی است.

حکومت اسلامی مبنی بر حقوق بشر و ملاحظه آن است. هیچ سازمانی و حکومتی به اندازه اسلام ملاحظه حقوق بشر را نکرده است.^۲ مطالعات فرهنگی

۳. آزادی و مردم‌سالاری: یکی از شاخصه‌های مهم کارآمدی حکومت، به ویژه دولت مدرن، آزادی و مردم‌سالاری (دموکراسی) درون جامعه است. اسلام و حکومت اسلامی چه برخوردی با این دو مفهوم دارد؟ آیا تحقق آنها را در درون جامعه می‌پذیرد؟ بنابر اندیشه سیاسی امام خمینی، حکومت اسلامی نه تنها با استقرار چنین مصادیقی در درون جامعه مخالفت ندارد؛ بلکه معتقد است باید تحقق آن به درستی و به تمام معنا باشد.

۱. همان، ج ۵، ص ۶۹-۷۰.

۲. همان.

آزادی و دموکراسی به تمام معنا در حکومت اسلامی است.^۱

۴. حقوق متقابل دولت و ملت: چگونگی رابطه دولت و ملت از جمله مسائل مهم دیگری است که ارتباط زیادی با بحث کارآمدی حکومت دارد. در حکومت اسلامی رابطه میان دولت و ملت هرگز مبتنی بر سلطه و تسلط نیست، به گونه‌ای که دولت‌ها همواره خود را مسلط بر ملت‌ها بدانند و تلاش‌های خود را بر این اساس سازماندهی نمایند؛ بلکه در حکومت اسلامی رابطه میان دولت و ملت مبتنی بر رعایت حقوق متقابل است.

اسلام در رابطه بین دولت و زمامدار و ملت ضوابطی و حدودی معین کرده است و برای هر یک بر دیگری حقوقی تعیین نموده است که در صورت رعایت آن هرگز رابطه مسلط و زیرسلطه بوجود نمی‌آید.^۲

۵. فضای محبت: یکی از شاخصه‌های مهم حکومت اسلامی که نوعاً در دیگر حکومتها مغفول مانده، ایجاد و برقراری فضای محبت در درون جامعه اسلامی است. برقراری چنین فضایی موجب می‌شود حکومتها بتوانند اهداف خود را با یاری و مشارکت بیشتر مردم همراه با اعتماد و اقبال آنان دنبال کنند و کارآمدی خویش را سرعت ببخشند.

در حکومت اسلام جو، جو محبت است. بین شخص اول مملکت با ادنی فردی که به حسب نظر مردم ادنی حساب می‌شوند فرق اساسی مربوط به دنیا نیست.^۳

۶. رفاه مردم: توجه همه جانبه به رفاه مردم از شاخصه‌های مهم دیگری است که در حکومت

۱. همان.

۲. همان، ج ۵، ص ۴۰۹.

۳. همان، ج ۷۷، ص ۲۳.

اسلامی وجود دارد. اهمیت این شاخصه چنان است که تمامی نهادها و ارگان‌ها باید اهداف خود را بر اساس این شاخصه جهت دهند و برنامه‌های خود را با توجه به آن تنظیم کنند. این مسئله را می‌توان به نوعی همان مصداق خدمت به مردم و خلق خدا دانست.

در حکومت اسلامی، اداره‌اش برای رفاه مردم است، نظامش برای رفاه مردم است، رئیس‌جمهورش برای رفاه مردم است، نخست‌وزیرش برای رفاه مردم است.^۱

بنابراین حکومت اسلامی اقتضائات لازم و مناسب را برای کارآمدی همه جانبه داراست. در این میان آنچه اهمیت دارد، تنها برخورداری از شأنیت برای کارآمدی نیست؛ بلکه حکومت اسلامی در ابتدا باید نگاهی درست نسبت به حکومت داشته باشد، سپس اصول و مؤلفه‌هایی را که می‌تواند حکومت و دولت اسلامی را به مرز کارآمدی برساند، به خوبی شناسایی کند و در مرحله بعد آنها را بدون هر گونه اغماض و سستی به اجرا درآورد.

ماهیت حکومت اسلامی

انسانها وقتی در درون اجتماع زندگی می‌کنند نیازهای فزاینده‌ای دارند که به تنهایی قادر به برآوردن همه آنها نیستند. بهترین راه برای برون رفت از این وضعیت، تشکیل حکومت و تعیین دولت است. حکومت و دولت تا آنجا می‌تواند خود را در بدنه اجتماع سیاسی حس کند که آنچه را که وظیفه اوست، به خوبی انجام دهد و بکوشد به اهداف تعیین شده نزدیک شود. چنین حکومت و دولتی به معنای واقعی در خدمت مردم خود است و خروج از این وظیفه، به یک معنا می‌تواند بحران دیگری برای زندگی اجتماعی محسوب شود. بنابراین «خدمت‌گزاری به مردم» را می‌توان شالوده و اساس تشکیل و تداوم حکومت و دولت دانست.

در اندیشه سیاسی امام خمینی ماهیت حکومت و دولت در اسلام، خدمت به مردم است. به نظر ایشان اگر دولت‌ها بتوانند خود را به معنای واقعی به مرز «دولت خدمت‌گزار» برسانند، به

همان میزان خواهند توانست پشتیبانی ملت را نسبت به خود جلب کنند، میزان کارآمدی خویش را افزایش دهند و جلوی هر گونه شکست و ناکامی را بگیرند.^۱ این مسئله آنقدر برای ایشان حائز اهمیت است که اساساً معتقدند اسلام حکومت به معنای متعارف ندارد؛ بلکه آنچه در اسلام مورد تأکید است «خدمت‌گزاری به مردم» می‌باشد.

اسلام حکومت به آن معنا ندارد، اسلام خدمت‌گزار دارد. شما خودتان را حاکم مردم ندانید، شما خودتان را خدمت‌گزار مردم بدانید. حکومت همان خدمت‌گزاری است.^۲

بر این اساس حکومت بار معنایی متعارف خود را از دست می‌دهد و دست خوش تحولی دیگر می‌شود؛ تحولی که به نوعی در تعارض با حکومت‌هایی است که در دنیای مدرن شکل گرفته‌اند. خدمت‌گزاری به مردم امری آسان و شأنی پایین مرتبه نیست؛ فضیلتی والاست به گونه‌ای که حتی انبیا و اولیای بزرگ خدا نیز خود را خدمت‌گزار مردم می‌دانستند و فقط برای انجام این امر مهم، یعنی خدمت‌گزاری، هدایت و ارشاد مردم برگزیده شدند.

انبیا خودشان را خدمت‌گزار می‌دانستند، نه اینکه یک نبی‌ای خیال کند حکومت دارد بر مردم، حکومت در کار نبوده، اولیای بزرگ خدا، انبیای بزرگ همین احساس را داشتند که اینها آمدند برای اینکه مردم را هدایت کنند، ارشاد کنند، خدمت کنند.^۳

در اندیشه سیاسی امام خمینی «فرمان‌فرمایی» مفهومی است که در مقابل «خدمت‌گزاری» قرار دارد. فرمان‌فرمایی از آن حکومتها و دولتهایی است که خود را برتر از مردم و خارج از طبقه آنان می‌دانند و خدمت‌گزاری مفهومی است که حکومتها و دولت‌ها را

۱. همان، ج ۹، ص ۴۲.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۲۰۲.

۳. همان، ج ۱۵، ص ۳۵۸.

همواره به سوی مردم فرا می‌خواند تا تلاش همه جانبه در جهت رفع نیازها و ارتقای آنان داشته باشند. بنابراین دولتها تا زمانی می‌توانند ادعای خدمت‌گزاری به مردم داشته باشند که خود را به معنای واقعی از آن مردم، مال مردم و نوکر آنان قلمداد کنند. بر این اساس هر دولتی که مردم را ملک خویش و فرمانبر و مطیع خود تلقی نماید، رابطه‌اش با مردم براساس فرمان‌فرمایی است و چنین دولتی هرگز نمی‌تواند کارآمدی لازم را از خود بروز دهد و به یک معنا حکومت و دولت مطلوب اسلامی قلمداد شود.

دولت‌ها خدمت‌گزار مردم هستند، نه فرمان‌فرما.^۱ دولت مال مردم است، نوکر مردم است، دولت‌ها خدمت‌گزار مردمند.^۲ دولت‌ها اقلیتی هستند که باید برای خدمت این ملت باشند. دولت خدمت‌گزار ملت باید باشد نه حاکم بر ملت.^۳

ادعای خدمت‌گزاری به ملت از سوی حکومتها و دولتها کافی نیست، حکومت کارآمد حکومتی است که بتواند خدمت‌گزاری خویش را در مقام بیان و عمل به ملت نشان دهد. این مسئله امری بسیار مهم و حیاتی در میزان کارآمدی و به نوعی تداوم و بقای حکومتها محسوب می‌شود. بسیاری از حکومتها تصور می‌کنند با بیان آمار و ارقام و ارائه گزارشهای صوری سالانه و گاهانه می‌توانند میزان کارایی خود را به مردم نشان دهند؛ این آمارها در صورتی می‌تواند توجه مردم را جلب کند که بتوانند نتایج آن را در زندگی روزمره خود حس کنند و به صورت عملی شاهد خدمت‌گزاری دولت باشند.

حکومت باید در خدمت مردم باشند و به مردم حالی کنند که ما خدمت‌گزاریم، حالی کنند

لفظاً، حالی کنند عملاً.^۴

۱. همان، ج ۹، ص ۱۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۹۷.

۳. همان، ج ۱۱، ص ۸۹.

۴. همان، ج ۱۳، ص ۳۸۲.

این نوع نگاه به حکومت، اصول و مؤلفه‌های خاصی را برای کارآمدی حکومت ارائه خواهد داد که مختص «دولت خدمت‌گزار» است. دولت خدمت‌گزار برای آنکه بتواند به مرز کارآمدی و کارایی لازم دست یابد، باید این اصول و شاخصه‌ها را همواره مدنظر خویش قرار دهد و متناسب با آن، اهداف و وظایف محوله را دنبال کند.

بر این اساس در بحث بعدی اصول و شاخصه‌هایی که مبتنی بر اندیشه سیاسی امام خمینی و سنت رفتاری و گفتاری ایشان درباره کارآمدی حکومت اسلامی است، به صورت مستند و فهرست‌وار ارائه می‌شود.

مؤلفه‌های کارآمدی حکومت اسلامی

مؤلفه‌های کارآمدی حکومت اسلامی را به چه صورت می‌توان بیان کرد؟ شاید در یک تقسیم‌بندی بتوان این اصول را در قالب توجه به ساختار حکومت یا کارکرد آن مدنظر قرار داد؛ همان‌گونه که در نظریه‌های کارآمدی مشاهده شد. برخی از آن نظریه‌ها مانند نظریه نظام‌وار، توجه به ساختار را محور اصلی خود قرار داده‌اند و براساس آن، معتقدند اگر دولت و حکومت دارای ساختاری مناسب و دقیق همراه با چینش منطقی باشد، می‌تواند به کارآمدی لازم دست یابد. در مقابل برخی دیگر از نظریه‌ها مانند نظریه توفیق، به رفتار دولت و حکومت توجه دارند و معتقدند آنچه می‌تواند کارآمدی دولت و حکومت را تضمین کند، رفتار مناسب و حساب شده آن در رسیدن به اهداف است.

این نوع تقسیم‌بندی هر چند تناسب خوبی با مباحث، مدیریتی، اقتصادی و حتی جامعه‌شناسی سیاسی دارد؛ نمی‌تواند همه ابعاد لازم در کارآمدی حکومت به ویژه حکومت اسلامی را شامل شود؛ چون در اندیشه سیاسی امام خمینی به مواردی برخوایم خورد که نمی‌توان آنها را در قالب ساختارگرایی یا رفتارگرایی قرار داد. به عنوان نمونه، توجه به اخلاق فردی و تزکیه درونی مسئولان و کارگزاران دولت امری نیست که در دو رهیافت مذکور جای گیرد. علاوه آنکه حکومت اسلامی به جهت برخورداری از مؤلفه‌های دین‌مدارانه و توجه به رهیافتهای دینی و اسلامی اقتضائات خاصی را به دنبال دارد که آنها را هرگز در رهیافتهای سکولار نمی‌توان یافت. بنابراین مقاله حاضر در تلاش است با پرهیز از تقسیم‌بندی رایج،

کارآمدی حکومت اسلامی را براساس مؤلفه‌های ماخوذ از کلمات امام خمینی و به صورت استقراء ارائه کند. مهم این است که سوگیری مؤلفه‌های پیش‌رو به گونه‌ای است که همگی دارای یک محور مشترک و به‌دنبال تحقق هدف و ماهیت تشکیل حکومت - خدمت‌گزاری به مردم - است. درضمن بحث از کارآمدی حکومت اسلامی منحصر به یک حوزه دانشی نیست و کارآمدی اخلاقی، حقوقی، اقتصادی، مدیریتی، سیاسی و موارد دیگر را نیز شامل می‌شود. بر این اساس، با استقراء نسبتاً کاملی که در اندیشه سیاسی امام خمینی صورت گرفته است می‌توان مؤلفه‌های کارآمدی حکومت اسلامی را در ۲۰ شاخصه مطرح کرد.

۱. محبوبیت مردمی: در اندیشه سیاسی امام خمینی دولت‌ها و حکومت‌ها باید از محبوبیت و پذیرش قلبی مردم، به معنای واقعی، برخوردار باشند. محبوبیت امری فراتر از مقبولیت و حتی مشروعیت است و گویای بالاترین ارتباط ظاهری و باطنی مردم با دولت است. هر چند به این مسئله در کلمات امام خمینی به گونه‌های مختلف اشاره و تأکید شده است؛ اما «فتح قلوب» از مهم‌ترین تعبیراتی است که در اینجا اهمیت بسیار بالایی دارد. براساس این تعبیر، دولت‌ها گرچه به راحتی قادرند ملتی را زیر سلطه خویش درآورند؛ اما هرگز نخواهند توانست دل‌های آن ملت را متوجه خویش کنند.

ای دولت‌ها، فتح مملکت که چیزی نیست، فتح قلوب مهم است.^۱

روشن است، بهره‌مندی از محبوبیت و پذیرش مردمی صرفاً به معنای اخذ آرای ظاهری مردم در انتخابات و دیگر عرصه‌ها نیست؛ بلکه آنچه مهم است این است که میان مردم و دولت رابطه قلبی و درونی برقرار باشد؛ به گونه‌ای که هیچ‌گاه دولت در انجام وظایف خود احساس تنهایی نکند.

اساساً محبوبیت مردمی و حکومت بر دل‌ها، تنها راه اقتدار دولتهاست؛ اقتداری که می‌تواند کارآمدی دولت را از بعد داخلی و نیز خارجی رقم زند. کارآمدی و پایداری حکومت‌ها در صورتی

است که ملت با تمام وجود با آن موافق باشد.

وقتی حکومتی پایه قدرتش به دوش ملت نباشد و ملت با قلبش با آن موافق نباشد، هر چه قدرتمند باشد هم نمی‌تواند پایداری کند.^۱

امام خمینی این مسئله را با ذکر مثال تاریخی توضیح می‌دهد. وی معتقد است رمز موفقیت حکومت اسلامی در صدر اسلام بر امپراتوریهای بزرگ، حکومت بر دل‌های مردم بود.

حکومت صدر اسلام، حکومت بر قلوب بود و لهذا با جمعیت‌های کم بر امپراطوری‌های بزرگ غلبه کردند.^۲

به راستی چه نوع حکومت‌هایی، از محبوبیت مردمی برخوردارند و می‌توانند بر جان و دل مردم حکومت کنند؟ بنا بر اندیشه سیاسی امام خمینی، حکومت‌های مردمی، ملی، خدمت‌گزار، الهی، اسلامی و عادلانه همگی حکومت‌هایی‌اند که بر قلب و دل مردم حکومت دارند.^۳ این نوع نگاه به دولت، مقتضی تقسیم‌بندی خاصی است که با تقسیم‌بندیهای متعارف در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی نوعاً متفاوت است و پرداختن به آن از حوصله مقاله حاضر خارج است. ۲. تزکیه دولتمردان: در حکومت اسلامی کسانی می‌توانند بر مردم حکومت کنند که خود را از نظر اخلاقی و معنوی پاک کرده باشند. این مسئله چنان اهمیتی دارد که صلاح و فساد کشورها به رعایت یا عدم رعایت آن بستگی دارد. اساساً تزکیه حاکمان نسبت به تزکیه افراد عادی اهمیتی به مراتب بیشتر دارد.

تزکیه برای دولتمردان، برای سلاطین، برای رؤسای جمهور، برای دولت‌ها و برای

۱. همان، ج ۷، ص ۵۱۰.

۲. همان، ج ۱۴، ص ۱۸۰.

۳. همان، ج ۷، ص ۵۲۷-۵۲۹.

سردمداران بیشتر لازم است تا برای مردم عادی. اگر افراد عادی تزکیه نشوند و طغیان پیدا کنند یک طغیان بسیار محدود است. لکن اگر طغیان در کسی شد که مردم او را پذیرفته‌اند، این گاهی یک کشور و گاهی کشورها را به فساد می‌کشد.^۱

بنابر اندیشه سیاسی امام خمینی، معیار نامگذاری حکومت به «حکومت اسلامی»، پایبندی به این اصل مهم است. ویژگی حکومت اسلامی نسبت به سایر حکومتها در این است که در رأس حکومت اسلامی شخص یا اشخاصی حکومت کنند که از حیث اخلاقی و معنوی تزکیه و منزّه شده، باشند. طبیعی است اگر چنین اشخاصی در جامعه حکومت نکنند، آن حکومت را نمی‌توان اسلامی به معنای واقعی نامید.

اگر آن کسی که در رأس حکومت است، خودش را اصلاح نکند و تابع قوانین اسلام نباشد، قوانین اسلام را در مملکت وجود خودش اجرا نکند، این نمی‌تواند حکومت اسلامی باشد و حاکم اسلامی باشد.^۲

۳. حاکمیت قانون: قانون محور وحدت‌آفرین یک نظام سیاسی است. همه ادیان، به‌ویژه دین مبین اسلام، برای برقراری قانون در جامعه آمده‌اند. قانون به قدری دارای اهمیت و مقام است که انبیا، پیامبر اسلام، ائمه علیهم‌السلام و خلفای اسلامی همگی خود را در برابر آن خاضع و تسلیم می‌دیدند.

از صدر عالم تا کنون تمام انبیا برای برقرار کردن قانون آمده‌اند و اسلام برای برقرار کردن قانون آمده است و پیغمبر اسلام و ائمه اسلام و خلفای اسلام تمام برای قانون خاضع بوده‌اند و تسلیم قانون بوده‌اند.^۳

۱. همان، ج ۱۴، ص ۳۹۲.

۲. همان، ج ۸، ص ۲۸۴.

۳. همان، ج ۱۴، ص ۴۱۴.

عمل به قوانین جلوی اختلاف و بی‌نظمی را می‌گیرد و جامعه را به سمتی تعیین شده، سوق می‌دهد. بنابر دیدگاه امام، وجود اختلافات درون جامعه ناشی از رعایت نکردن قانون و شکستن حریم آن است.

اگر همه اشخاص و همه گروه‌ها و همه نهادهایی که در سرتاسر کشور هستند به قانون خاضع بشویم و قانون را محترم بشماریم، هیچ اختلافی پیش نخواهد آمد. اختلاف از راه قانون‌شکنی‌ها پیش می‌آید.^۱

اسلام چون دین کامل و پیشرفته‌ای است، کامل‌ترین و پیشرفته‌ترین قوانین را دارد. عمل به قوانین اسلام یکی از معیارهای اساسی اسلامی بودن یک کشور به حساب می‌آید. در مقابل، مخالفت با قانون، مخالفت با اسلام شمرده می‌شود.

در کشوری که قانون حکومت نکند، خصوصاً قانونی که قانون اسلام است، این کشور را نمی‌توانیم اسلامی حساب کنیم. کسانی که با قانون مخالفت می‌کنند، اینها با اسلام مخالفت می‌کنند.^۲

بنابراین امام خمینی معتقد است:

هر کشوری که به قوانین اسلام عمل نماید بدون شک از پیشرفته‌ترین کشورها خواهد شد.^۳

۴. اجرای برنامه اقتصادی اسلام: بنابر اندیشه سیاسی امام خمینی، اسلام دین جامعی است که حاوی همه برنامه‌های موردنیاز درون جامعه است. اقتصاد و الگوهای اقتصادی نیز از جمله

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان، ج ۵، ص ۲۰۴.

مباحث بسیار مهم و موردنیاز هر اجتماع است که اسلام نه تنها از آن غافل نمانده؛ بلکه برنامه‌هایی برای آن ارائه کرده است؛ البته وظیفه و کار ویژه علمای اسلامی آن است که این برنامه‌ها را از متون اسلامی استخراج کنند و در اختیار دولتمردان قرار دهند. بر این اساس امام خمینی معتقد است: اجرای برنامه اقتصادی اسلام، ملت را در رفاه و آسایش قرار می‌دهد.

اگر ملت ایران تسلیم احکام اسلام شوند و از دولتها بخواهند برنامه مالی اسلام را با نظر علمای اسلام اجرا کنند، تمام ملت در رفاه و آسایش زندگی خواهند کرد.^۱

۵. ریاضت اقتصادی مسئولان: امام خمینی در سیره، عمل و گفتار، تلاش می‌کرد مسئولان و کارگزاران نظام اسلامی را به این نکته توجه دهند که، زندگی شخصی خویش را باید با کم‌درآمدترین قشر جامعه سازگار کنند؛ شیوه‌ای که کاملاً منطبق بر گفتار و عمل امام علی علیه السلام است.

ما آرزوی همچو حکومتی [حکومت حضرت امیر علیه السلام] داریم. یک حکومت عادل که نسبت به افراد رعیت علاقه‌مند باشد، عقیده‌اش این باشد که باید من نان خشک بخورم که می‌ادا یک نفر در مملکت من زندگی‌اش پست باشد، گرسنگی بخورد.^۲

یکی از نتایج مهم رعایت این مسئله قانع‌شدن و رضایت مردم است. اگر مردم در کمبودها و مشکلات جامعه مسئولان و کارگزاران نظام را همراه و شریک خود ببینند، قانع می‌شوند و دست از شورش و عصیان برمی‌دارند. با رعایت همین اصل می‌توان کارآمدی حکومت را به میزان بالایی تضمین کرد.

اگر یک حکومت و دستگاههای حکومت زندگی شخصی‌شان جورى باشد که مردم ببینند نزدیک به زندگی آنهاست، مردم قانع می‌شوند، مردم راضی می‌شوند، عصیان تمام می‌شود.^۳

۱. همان، ج ۱، ص ۱۳۷.

۲. همان، ج ۶، ص ۵۷.

۳. همان، ج ۷، ص ۲۵۹.

در اندیشه سیاسی امام خمینی، عمل نکردن به این اصل از عوامل مهم انحطاط و زوال حکومتها است.

آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که باید فاتحه دولت و ملت را بخوانیم. آن روزی که رئیس جمهور از آن خوی کوخ نشینی بیرون برود و به کاخ نشینی توجه بکند، آن روز است که انحطاط برای خود و برای کسانی که با او تماس دارند پیدا می شود. آن روزی که مجلسیان خوی کاخ نشینی پیدا کنند و از این خوی ارزنده کوخ نشینی بیرون بروند، آن روز است که ما برای این کشور باید فاتحه بخوانیم.^۱

۶. توجه به اقلیت آسیب پذیر: دولت در برنامه ریزی اقتصادی باید تمرکز خود را به طبقه آسیب پذیر و کم درآمد جامعه معطوف سازد. نوع نگاه به چنین طبقه ای در برداشت رایج جامعه، به ویژه در برداشت حکومت های مدرن با برداشت حکومت اسلامی کاملاً متفاوت است. در حکومت های مدرن این طبقه را نوعاً به عنوان طبقه پایین جامعه به حساب می آورند، در حالی که در حکومت اسلامی این طبقه در واقع بالاترین طبقه جامعه اند.

ما باید برای این طبقه کارگر و کارمند، که ضعیف هستند، طبقه ای که شما اینها را پایین می دانید در حالی که اینها از همه شما بالاتر و بلند مقام تر هستند، باید دولت ها برای اینها کار بکنند.^۲

این مسئله مهم است که دلسوزی دولت از این قشر نباید از سر ترجم باشد. دولتی که تابع منش امیرالمؤمنین است باید با تمام قدرت برای این قشر دلسوزی نماید. امری که متأسفانه همواره از سوی دولت ها به جهت رعایت نکردن به اصل «ریاضت اقتصادی مسئولان» مغفول می ماند.

دولت واقعاً باید با تمام قدرت آن طوری که علی علیه السلام برای محرومین دل می سوزاند، دل بسوزاند. مثل یک پدری که بچه هایش اگر گرسنه بمانند، چطور با دل افسرده دنبال این می رود که آنها را سیر کند.^۳

۱. همان، ج ۱۷، ص ۳۷۶.

۲. همان، ج ۷، ص ۳۳۵.

۳. همان، ج ۱۸، ص ۱۵۹.

۷. پرهیز از فشار بر مردم: اگر اسلام برای درست کردن زندگی دنیا و آخرت مردم است، باید به گونه‌ای باشد که مردم در آن احساس آرامش کنند. سخت‌گیری و فشار، خصوصاً از نوع اقتصادی آن، باعث دلسردی مردم و در نتیجه خارج شدن آنها از صحنه خواهد شد.

اگر دولت بخواهد مردم را در فشار قرار دهد، بازار را در فشار قرار دهد، بداند که فاتحه آن دولت هم خوانده خواهد شد.^۱ ما باید بسیار به فکر مردم باشیم و بر آنان سخت نگیریم که از صحنه خارج شوند.^۲

در مقابل فشار و سخت‌گیری، جلب نظر مردم از جمله امور لازم و ضروری است.

جلب نظر مردم از اموری است که لازم است. پیغمبر اکرم جلب نظر مردم را می‌کرد، دنبال این بود که مردم را جلب کند.^۳

۸. دولت محدود: کارآمدی حکومت اسلامی به آن است که از گسترش حوزه دولتی پرهیز کند. دولت با مشارکت دادن مردم در امور مختلف، می‌تواند به‌عنوان نهاد نظارت‌کننده بر تمامی امور نظارت داشته باشد. در دیدگاه امام، کشوری که مالکیت دولتی در آن همه جانبه و همه‌نگر باشد و مردم از صحنه مالکیت کلان حذف شوند، دچار بیماری مهلک اقتصادی شده است.

دنبال این نباشید که هر چیزی را دولتی کنید، دولتی کردن در یک حدودی است که معلوم

۱. همان، ج ۱۷، ص ۲۵۱.

۲. همان، ج ۱۹، ص ۴۴.

۳. همان، ج ۱۷، ص ۲۵۱.

است، لکن مردم را شرکت بدهید، بازار را شرکت بدهید.^۱ دولت بی شرکت ملت و توسعه بخش های خصوصی جوشیده از طبقات محروم مردم و همکاری با طبقات مختلف مردم با شکست مواجه خواهد شد. کشاندن امور به سوی مالکیت دولت و کنار گذاشتن ملت، بیماری مهلکی است که باید از آن احتراز شود.^۲

۹. امنیت اقتصادی: دولت اسلامی باید در سرمایه‌گذاریهای اقتصادی، تجارت، تولید و غیره به مردم اطمینان خاطر دهد و امنیت اقتصادی را برای آنها فراهم آورد.

دولت اسلامی باید مردم را در همه چیز مطمئن کند، در سرمایه‌هایشان، در کسبشان، در کارخانه‌هایشان، در همه چیز مردم در آرامش باشند. و دولت ابداً نمی‌تواند به آنها تادی بکند و نباید تادی بکند. و اگر کسی تادی کرد، تادیب خواهد شد.^۳

۱۰. شایسته‌سالاری: شایسته‌سالاری هر چند که در مقام نظر مورد پذیرش همگان است؛ اما مهم این است که در عمل تحقق یابد. هر ملت و کشوری که خواهان کارآمدی حکومت است، باید دولتی را برای مدیریت و اجرای امور برگزیند که صلاحیت لازم برای تصدی این امر را دارا باشد. در دیدگاه امام خمینی شایستگی و لیاقت هر ملت و کشوری، بستگی به شایستگی دولت آن دارد و خوشبختی و بدبختی ملت‌ها مبتنی بر رعایت این اصل است.

بدبختی و خوشبختی ملت‌ها بسته به اموری است که یکی از مهمات آن صلاحیت داشتن هیات حاکمه است. اگر چنانچه هیات حاکمه، کسانی که مقدرات یک کشور در دست

۱. همان، ج ۱۹، ص ۴۰۹.

۲. همان، ج ۱۹، ص ۱۵۷.

۳. همان، ج ۱۷، ص ۱۶۱.

آنهاست، اینها فاسد باشند، مملکت را به فساد می‌کشند، همه بعدها می‌مملکت را رو به نیستی و فساد می‌برند.^۱ تا دولت صالح نباشد مملکت صلاحیت پیدا نمی‌کند.^۲

یکی از راههای شایسته‌سالاری گزینش مسئولان از طبقه متوسط و پایین جامعه است. این مسئله امری مهم و مبتنی بر رعایت اصول کشورداری اسلامی است؛ زیرا برخلاف برداشت رایج، طبقات بالای جامعه همواره به دنبال منافع شخصی یا صنفی و گروهی خویش‌اند؛ در حالی که طبقات متوسط که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند، به دنبال فراهم‌سازی زمینه‌های رشد و توسعه برای همگان، حتی طبقات بالای جامعه‌اند.

اساس ادامه یک پیروزی و انقلاب در امری است که به نظر می‌آید در رأس امور واقع است، و آن اینکه دولت، مجلس و کسانی که در ارتش و سپاه هستند از طبقه متوسط و مادون باشند. مادامی که مجلس و ارگانهای دولتی از این طبقه تشکیل بشود، امکان ندارد یک دولت و قدرت بزرگی اوضاع را بهم بزند.^۳

یکی دیگر از راههای شایسته‌سالاری، گزینش نیروهای متعهد و متخصص در دولت است. حکومت برای آنکه بتواند کارآمدی لازم را در همه امور نشان دهد، باید از افراد متعهد و متخصص در رشته‌های گوناگون بهره‌مند باشد. گزینش مدیران در دولت یا هر نهادی دیگر باید کاملاً منطبق بر اصول و ضوابط باشد. در دیدگاه امام خمینی می‌توان به برخی از این موارد، از جمله کاردانی، تعهد، خدمت بهتر، در خدمت منافع ملت بودن و غیره اشاره کرد. اگر گزینشها براساس روابط ناشی از دوستی، آشنایی، و غیره باشد، موجب ناکارآمدی مجموعه حکومت یا نهاد مربوطه می‌شود.

۱. همان، ج ۵، ص ۳۱۴.

۲. همان، ج ۶، ص ۴۶.

۳. همان، ج ۱۶، ص ۱۹.

دولت بدون گزینش اشخاص متعهد و متخصص در رشته‌های مختلفه موفق نخواهد شد و دولتمردان در گزینش همکاران به کاردانی و تعهد آنان و بهتر خدمت کردن آنها به کشور و در منافع ملت بودن تکیه کنند تا در پیش حق تعالی و ملت روسفید باشند، نه بر دوستی و آشنایی و حرف شنوی بی تفکر و تأمل که این رویه موجب ناکامی در خدمت به کشور است. دوست خوب برای دست‌اندرکاران آن است که در پیشرفت امور محوله به آنان مؤثر باشد و در خدمت ملت باشد، نه در خدمت آنان، که هر که و هر چه خواهد بود. دولتمردان از دانشمندان و متخصصان متعهد استمداد کنند تا راز موفقیت را به دست آورند.^۱

۱۱. وجدان‌کاری: کارآمدی دولت امری به هم پیوسته و نیازمند تعامل و همکاری همه اجزای تأثیرگذار کشور است. دولتمردان، کارمندان، روحانیان، بازاریان، و دیگران به عنوان اجزای اصلی کشور همگی دارای وظایفی‌اند که به آنان محول شده است و باید آن وظایف را به خوبی انجام دهند. در صورتی که هر یک از اقشار وجدان‌کاری لازم - انجام نیک و دقیق وظایف محوله - را در عملکردها و فعالیت‌های خویش نداشته باشند، نه تنها مشکلات کشور حل نخواهد شد؛ بلکه خود این مسئله مشکلی بر مشکلات خواهد افزود. بر این اساس، وجدان‌کاری و انجام وظایف محوله رابطه مستقیمی با کارآمدی دولت دارد.

اگر یک مملکت کارمندش و دولتش و ملتش و روحانی‌ش و بازاریش و همه چیز، وقتی هر کدام به آن وظایفی که خدای تبارک و تعالی محول کرده بر آنها، خوب عمل کردند، این مملکت بعد از چندی همه‌اش درست می‌شود.^۲

وجدان‌کاری یکی از عوامل مهمی است که پشتیبانی ملت از دولت و حکومت را به دنبال خواهد داشت. اگر دولت و دولتمردان وجدان‌کاری را رعایت کنند، ملت هم پشتیبان و حامی آنان خواهند بود.

۱. همان، ج ۱۹، ص ۱۵۷.

۲. همان، ج ۹، ص ۴۸۰.

وقتی دولت خوب کار کند برای ملت، آنها هم پشتیبان‌اند.^۱
در اندیشه سیاسی امام خمینی استعفا و کناره‌گیری اختیاری مدیران ناکارآمد، عملی صالح و عبادت محسوب می‌شود.

ای متصدیان و دولتمردان از رده به اصطلاح بالا تا پایین، به هوش باشید که در دوراهی سعادت و شقاوت قرار دارید. اگر به واسطه سوء مدیریت و ضعف فکر و عمل شما، به اسلام و مسلمین ضرری و خللی واقع شود و خود می‌دانید و به تصدی ادامه می‌دهید، مرتکب گناه عظیمی و کبیره مهلکی شده‌اید که عذاب بزرگ دامنگیرتان خواهد شد. هر یک در هر مقام احساس ضعف در خود می‌کند، چه ضعف مدیریت و چه ضعف اراده از مقاومت در راه هواهای نفسانی، بدون جوسازی، دلاورانه و باسرافرازی نزد صالحان از مقام استعفا کند که این عمل صالح و عبادت است.^۲

۱۲. رسیدگی فوری به امور مردم؛ پرهیز از کاغذبازی بی‌مورد اداری و رسیدگی سریع و به موقع به امور مردم از جمله شاخصه‌های کارآمدی دولت شمرده می‌شود. بنابر اندیشه امام خمینی، یکی از عواملی که باعث خلل در انجام این شاخصه می‌شود، همانا تجمل‌پرستی، اسراف و کاغذبازی اداری است که از عوامل مهم ناکارآمدی حکومت محسوب می‌شود؛ زیرا این عمل نه تنها موجب دقت در انجام کار نمی‌گردد؛ بلکه باعث طولانی‌تر شدن رسیدگی به امور مردم می‌شود و آنان را نسبت به پشتیبانی از نظام و دولت دلسرد می‌سازد.

باید تمام ادارات از تجمل‌پرستی و اسراف و کاغذبازی بپرهیزند و کار مردم را سریعاً انجام دهند.^۳

۱. همان، ج ۱۷، ص ۳۸۳.

۲. همان، ج ۱۹، ص ۱۵۷.

۳. همان، ج ۶، ص ۲۶۶.

۱۳. اصلاح اداری: دولت برای بالا بردن رشد کارآمدی خویش نیازمند اصلاح اداری در مقاطع مختلف است و انجام ندادن به موقع آن باعث ناکارآمدی حکومت خواهد شد. نکته مهم در اصلاح اداری این است که تحقق آن وظیفه خود حکومت است.

اصلاح دولت و اصلاح ادارات و اصلاح جامعه و بازسازی، همه اینها بر دوش شما آقایانی است که در رأس امور هستید و چنانچه همت نگمارید چه بسا که ما قدم را به واپس برداریم.^۱

۱۴. فسادزدایی: وجود فساد در جامعه و تعقیب و ترمیم نکردن آن از عوامل مهم زوال و انحطاط حکومت است. برخلاف اصلاح اداری که در حیطه وظایف حکومت است؛ فسادزدایی وظیفه‌ای دوسویه برای مردم و دولت است.

دولت و همه موظفند، وقتی فساد واقع شد، اغماض نکنند، و همان یک مورد را از بین ببرند تا سرایت نکند تا اینکه یک جمهوری به فساد کشیده بشود و یا در دنیا بدنام شود.^۲

۱۵. پرهیز از برخورد تکلیفی با مردم: در اندیشه سیاسی امام خمینی برخورد تکلیفی با مردم از عوامل جدایی آنان از دولت و مستولان و موجب ناکارآمدی حکومت است. این مسئله امر مهمی است که مبتنی بر نوع نگاه به مردم و نقش آنان در حکومت است. دیدگاههایی که نقشی تأثیرگذار برای مردم در جامعه قایل نیستند، همواره می‌کوشند حمایت ملت و مردم از حکومت را مبتنی بر تکلیف بدانند؛ در مقابل دیدگاههایی حکومت را از آن مردم و حق مردم می‌دانند. اندیشه سیاسی امام خمینی نیز در این قسم جای دارد. براساس دیدگاه امام خمینی، برخورد تکلیفی با مردم نه تنها معنا ندارد، بلکه برعکس این مردم‌اند که باید با دولتمردان همواره برخورد تکلیفی داشته باشند.

۱. همان، ج ۱۵، ص ۴۹۲.

۲. همان، ج ۱۶، ص ۱۷۳.

اگر این احساس پیش بیاید که من آن بالا هستم و دیگران باید از من اطاعت بکنند و یک تکلیفی است، و بخواهید با تکلیف و تکلف به مردم حکومت کنید، این باز به حالت سابقه برمی‌گردد و مردم از شما جدا می‌شوند.^۱

۱۶. وحدت دولت و ملت: اندیشمندان سیاسی همواره به وحدت دولت و ملت تأکید می‌ورزند؛ زیرا پایبندی به این اصل، موجب سلامت و استحکام کشور خواهد شد. بدیهی است که میان دولت و ملت دوگانگی وجود ندارد، و عملکرد نامطلوب دولتها باعث جدایی میان ملت و دولت می‌شود. بر این اساس، سلامت یک کشور در صورتی تضمین خواهد شد که همه اقشار جامعه، به‌ویژه حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان، با یکدیگر تفاهم داشته باشند و نسبت به کار یکدیگر پشتیبانی و نظارت کنند. چنین کشوری طبیعتاً شکست‌ناپذیر خواهد بود.

اگر یک کشور بخواهد یک کشور سالمی باشد، باید بین دستگاه حاکمه با ملت تفاهم باشد.^۲ اگر یک مملکتی دولت و ملتش، ارتش و ملت، قوای انتظامی و ملت با هم شدند و هر دو احساس کردند که باید خدمت به هم بکنند، یک همچو مملکتی و کشوری شکست نخواهد خورد.^۳

جدایی میان دولت و ملت نتایج سوئی برای جامعه به دنبال خواهد داشت. فساد اقتصادی، اخلاقی، اداری، سیاسی و غیره، میان مردم و نیز میان دولتمردان رشد خواهد یافت و باعث زوال و پوسیده‌شدن بدنه اصلی نظام خواهد شد.

جدایی دولتها از ملتها منشأ همه گرفتاری‌هایی است که در یک کشوری تحقق پیدا می‌کند.^۴ دولت و مردم نبایستی از یکدیگر جدا باشند، اگر جدا شدند، ملت از گرفتاری دولت خشود

۱. همان، ج ۱۳، ص ۳۷۱.

۲. همان، ج ۸، ص ۲۳۰.

۳. همان، ج ۹، ص ۱۴۴.

۴. همان، ج ۹، ص ۱۱۸.

می‌شود و مردم از مالیات و کار می‌دزدند. ولی هر گاه یکی باشند، مردم گلیم زیر پای خود را در مواقع لزوم می‌فروشند و به دولت می‌دهند تا رفع نیاز دولت بشود.^۱

نکته مهم چگونگی حل بحران جدایی ملت و دولت است. بنابر اندیشه سیاسی امام خمینی، برای حل مشکل جدایی ملت و دولت، نباید به دنبال عوامل بعیده بود؛ بلکه این مسئله در وهله اول فقط در دست خود حکومت و دولت است.

جدایی ملت از دولت بلکه رو در رو قرار گرفتن آنها، موجب ضعف آنها و گرفتاری دولت و ملت شده است، و تا این مشکل را خود دولت‌ها رفع نکنند روی سعادت را نخواهند دید و همیشه گرفتار دست خیانت‌کاران و اجانب خواهند بود.^۲

اهمیت این مسئله از آن جهت است که دستیابی به قدرت ملی و مردمی، دستیابی به بالاترین قدرتهاست. به تصور برخی اندیشمندان سیاسی که به طور ویژه در مسایل مربوط به روابط بین‌الملل اندیشه می‌کنند، نقش مردم و دستیابی به قدرت مردمی کم اهمیت است و در مقابل، دستیابی و تمسک به قدرتهای بزرگ تنها راه بقای دولتهاست. بسیاری از کشورها که با کودتا روی کار آمده‌اند یا حکومت استبدادی دارند، به دنبال چنین رویکردی‌اند. این در حالی است که در اندیشه سیاسی امام خمینی دستیابی به قدرت ملی و مردمی بالاترین و بلکه برترین نوع قدرتهاست.

این بگ اشتباهی از حکومت‌ها بوده است که خیال می‌کردند که اگر قدرت‌های بزرگ را بدست بیاورند، بهتر از این است که قدرت ملت خودشان را به دست بیاورند، و این علاوه بر اینکه یک خیانت به ملت‌ها بوده است، آن کامیابی که باید برای یک انسان باشد و آن ارزشی که باید برای یک انسان باشد اینها از دست داده بودند.^۳

۱. همان، ج ۱، ص ۱۲۳.

۲. همان، ج ۹، ص ۱۲۹.

۳. همان، ج ۱۴، ص ۲۳۲.

۱۷. مشارکت مردم: یکی دیگر از رموز موفقیت و کارآمدی حکومت اسلامی، برخورداری از مشارکت و حمایت همه‌جانبه تمام اقشار مردم است. دولت به تنهایی هرگز قادر نیست همه وظایف و کارهایی را که به وی محول شده است به خوبی انجام دهد. این مسئله در واقع مکمل مؤلفه قبلی است و به نوعی رابطه دو سویه را بیان می‌دارد؛ از یک سو وظیفه دولت است که مردم را در امور مختلف مشارکت دهد و زمینه‌های آن را فراهم سازد و از سوی دیگر وظیفه مردم است که برای دستیابی به موفقیت و کارآمدی با دولت منتخب مشارکت و همکاری همه جانبه داشته باشد.

من از شما خواستارم که به دولت کمک کنید، و فقط این نباشد که منتظر باشید دولت همه کارها را بکند، دولت نمی‌تواند همه کارها را انجام بدهد، شماها باید پشتیبانی کنید.^۱ نمی‌شود که ملت کنار بنشیند و بگوید دولت همه کارها را بکند، یک همچو خرابه بزرگی را دولت به این زودی‌ها، اگر قدرت ملت نباشد نمی‌تواند آباد کند.^۲

مشارکت و برخورداری از حمایت مردمی از عوامل مهم ثبات و انحطاط‌ناپذیری حکومتهاست.

اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد. اگر یک ملت پشتیبان یک رژیم باشند، آن رژیم از بین نخواهد رفت.^۳

البته همان‌گونه که بیان شد وظیفه دولت است که زمینه مشارکت مردم را فراهم سازد؛ زیرا دولت‌ها در صورتی که به ملت و مردم خویش بها و اعتبار ندهند، به طور طبیعی از حمایت و مشارکت مردمی برخوردار نخواهند بود.

۱. همان، ج ۶، ص ۵۲۹.

۲. همان، ج ۱۰، ص ۳۳۲.

۳. همان، ج ۸، ص ۳۷۲.

دولت‌ها خودشان را فرمان‌فرما و ولی‌امر و همه چیز می‌دانند و برای ملت هیچ اعتباری قائل نیستند، از این جهت از پشتیبانی ملت محرومند.^۱ ملت‌ها اگر با یک چیزی مخالفت کردند، دولت‌ها نمی‌توانند اجرا بکنند. امروز مثل سابق نیست که یک دولتی بیاید هر غلطی می‌خواهد بکند، خیر، باید موافق امیال صحیحه ملت عمل بکند، نوکر ملت باید باشد، نه آقای ملت.^۲

یکی از جلوه‌های مشارکت مردمی، مشورت و مشاوره دولت با مردم و نمایندگان مردم است. تصمیمات دولت هنگامی می‌تواند از کارآمدی برخوردار شود که همراه با مشورت و مشاوره با مردم یا نمایندگان آنان باشد. اساساً دولت نمی‌تواند بدون موافقت مردم و یا نمایندگان آنها، اقدام به هر عملی کند.

در حکومت به‌طور قطع باید زمامداران امور دائماً با نمایندگان ملت در تصمیم‌گیری‌ها مشورت کنند و اگر نمایندگان موافقت نکنند نمی‌توانند به تنهایی تصمیم‌گیرنده باشند.^۳

۱۸. عدالت‌پروری: تأکید بر مسئله عدالت و برقراری آن در جامعه، قدمتی به درازای تاریخ دارد. امام خمینی براساس تمسک به سیره ائمه معصومان علیهم السلام اعتقاد دارد که حکومت عادل مردم عادل پرورش می‌دهد.

اگر حکومت‌ها عادل باشند، کم‌کم مردم را به صورت خودشان در می‌آورند.^۴ آن کسی که به یک ملتی حکومت دارد، چنانچه عدالت‌پرور باشد، دستگاه او عدالت‌پرور خواهد شد، قشرهایی که به او مرتبط هستند به عدالت گرایش پیدا می‌کنند، تمام اداراتی که تابع آن حکومت است، خواه ناخواه به عدالت گرایش پیدا می‌کنند و عدالت گسترده می‌شود.^۵

۱. همان، ج ۱۱، ص ۹۴.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۳۷۳.

۳. همان، ج ۵، ص ۴۳۶.

۴. همان، ج ۵، ص ۴۴۲.

۵. همان، ج ۹، ص ۱۳۵.

بر این اساس، تحقق عدالت نیز در جامعه امری از پایین نیست؛ بلکه همواره به دست دولتمردان است.

اقتدار و اصناف گوناگون جامعه مکمل یکدیگرند. بر این اساس، دولت نباید قشر و صنف خاصی را در جامعه بر دیگری برتری و امتیاز دهد؛ بلکه باید میان همه اقشار جامعه به تناسب موقعیت و شأن انسانی که دارند، عدالت برقرار شود.

باید دولتی بوجود بیاید که با همه قشرها به عدالت رفتار کند، و امتیاز بین قشرها ندهد، مگر به امتیازات انسانی که خود آنها دارند.^۱

برتری حکومت عادل بر حکومت ظالم امری بدیهی و مبتنی بر فهم بشری است. حکومت عادل از این توانایی برخوردار است که بتواند تمام مصالح کشور را تأمین کند، در حالی که حکومت ظالم به جهت سرشتی که دارد، نه تنها قادر به تأمین مصالح واقعی نظام و ملت نیست؛ بلکه خود عامل تمام نابرابریها و نابسامانیهای کشور است.

مفاسد از حکومت‌ها سرچشمه می‌گیرد، حکومت عدل تمام مصالح کشور را تأمین می‌کند و حکومت ظلم تمام بدبختی‌ها را برای یک ملتی ایجاد می‌کند.^۲

۱۹. انتقادپذیری: حکومت اسلامی باید توان تحمل انتقادات را داشته باشد و از آن استقبال کند. نقد حکومت و دولت و عملکردهای آن نه تنها باعث تضعیف نظام نخواهد شد؛ بلکه زمینه رشد و بالندگی و در نهایت کارآمدی آن را فراهم خواهد کرد؛ البته مسئله مهم آن است که فرد منتقد نباید در بیان نقد احساس ناامنی و نگرانی داشته باشد و به عبارت دیگر، وظیفه حکومت است که چنین زمینه ناامنی را در جامعه از بین ببرد.

۱. همان.

۲. همان.

کوچکترین فرد می‌تواند آزادانه و بدون وجود کمترین خطر به بالاترین مقام حکومتی انتقاد کند و از او در مورد اعمالش توضیح بخواهد.^۱

۲۰. پرهیز از سیاست‌بازیهای گروهی: یکی از مؤلفه‌های کارآمدی حکومت اسلامی پرهیز از سیاست‌بازیهای گروهی است. بنابر اندیشه سیاسی امام خمینی، برای رسیدن به اهداف نظام جمهوری اسلامی، مسئولان و دولتمردان نظام نباید میان خود اختلاف‌نظر داشته باشند و منافع حزبی و گروهی خود را در اجرا و تحقق برنامه‌ها دنبال کنند؛ بلکه باید رویه و فکر واحدی در پیش بگیرند. این مسئله به معنای نفی دیدگاه‌های رقیب نیست؛ بلکه آنچه مهم است این است که در مقام عمل و انجام دستورات و رسیدن به اهداف، همواره باید از شیوه و روش واحد پیروی و از سیاست‌بازیهای گروهی پرهیز کرد. بنابراین، ایشان تأکید می‌کند که سیاست صحیح اسلامی آن است که در کشور شیوه و فکر واحد حکومت کند.

دولتمردان با رویه و فکر واحد برای رسیدن به آنچه صلاح اسلام و کشور است به پیش روند و این سیاست صحیح اسلامی است. و خدای نخواستہ در سیاست‌بازیهای گروهی وارد نشوند که با ناکامی مواجه می‌شوند.^۲ من از همه ارگانهای دولتی و ملی و همه گروهها می‌خواهم که از گروه‌گرایی و دسته‌بندی و فرصت‌طلبی و هواهای نفسانی احتراز کنند و خود را در راه خدمت به ملت و خلق مستضعف قرار دهند و از راهی که ملت می‌رود منحرف نشوند، و خداوند عالم را حاضر و ناظر ببینند و از اختلاف و نفاق دست بردارند و مصالح کشور را بر مصلحت خویش مقدم دارند و در صدد تضعیف یکدیگر برنیایند.^۳

در مقابل سیاست‌بازیهای گروهی، وحدت و همدلی میان دولتمردان قرار دارد که کارآمدی حکومت اسلامی را تضمین خواهد کرد.

۱. همان، ج ۵، ص ۴۴۹.

۲. همان، ج ۱۹، ص ۱۵۷.

۳. همان، ج ۱۲، ص ۴۴۳.

سفارش دوم آن است که بین خودتان، بین وزرا، بین دولتی‌ها برادری باشد. شما برای اسلام می‌خواهید خدمت کنید، نمی‌خواهید که برای خودتان کاری بکنید، شما می‌خواهید برای این ملت محروم در طول تاریخ خدمت بکنید، نمی‌خواهید که جیب خودتان را پر کنید.^۱

سخن آخر

امام خمینی به‌عنوان تئوریسن و معمار بزرگ انقلاب اسلامی ایران، همواره بر اهمیت و ضرورت کارآمدی حکومت اسلامی تأکید فراوان داشته‌اند. این تأکید تنها بیان ارشادی و شعارگونه نبود بلکه به تناسب شرائط مکانی و زمانی توانسته‌اند اصول و مؤلفه‌های آن را نیز تبیین نمایند. به نظر می‌رسد تصدیق به این مطلب با مطالعه مباحث گذشته روشن شده باشد. اما سخن در اینجاست که «بحران کارآمدی» در نظام جمهوری اسلامی، از کجا ناشی می‌شود؟ امروزه در محافل علمی و غیرعلمی، دولتی و غیردولتی، حتی از زبان برخی از دولتمردان و مسئولان نظام، سخن از «بحران کارآمدی» دولت و حکومت اسلامی است؛ به‌راستی تا چه اندازه این مسئله به خود اسلام و آموزه‌های آن برمی‌گردد؟ منتقدان حکومت و نظام اسلامی بجای آنکه به اسلام و نسخه عمل نشده آن خرده گیرند، تا چه اندازه به خود و عملکرد خود اندیشیده‌اند. اگر «ریاضت اقتصادی مسئولان» یکی از اصول و شاخصه‌های مهم کارآمدی حکومت اسلامی است، تا چه اندازه مسئولان و مدیران نظام جمهوری اسلامی به آن پایبند بوده و هستند. اگر رسیدگی به طبقه محروم و آسیب‌پذیر جامعه، یکی از مؤلفه‌های مهم کارآمدی حکومت اسلامی است؛ چرا هنوز در جامعه «اقشار فراموش شده» وجود دارند! این حقیقت تلخ را باید باور کرد که امروزه دولت و نظام جمهوری اسلامی ایران به‌رغم همه فعالیت‌ها و تلاش‌های ارزنده‌اش با «بحران کارآمدی» مواجه است. اما به نظر می‌رسد عمده‌ترین و مهم‌ترین دلیل آن پایبند نبودن و عمل نکردن به اصول و شاخصه‌هایی است که در دین اسلام وجود دارد و بخشی از آن از زبان اسلام‌شناسانی همچون امام خمینی علیه السلام بیان شده است. راه حل آن بازگشت به خویشتن، خانه‌تکانی درونی و همگانی و عمل و پایبندی به اصول و معیارهای اسلامی است.

کتابشناسی

- لاریجانی، محمدجواد، مباحثی در مشروعیت و کارآمدی، سروش، تهران ۱۳۷۳.
- رضوانی، محسن، دولت کارآمد در اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی، مجله معرفت، تیر ۱۳۸۱.
- خمینی ره، (امام) سیدروح‌الله، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۸.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی